



# از مضارب به کلاه چه می دانید؟

روح الله حبیبیان

البته رعایت این شروط و ضوابط توسط بانکها بحث دیگری است که به آن خواهیم پرداخت.

## مضارب چیست؟

مضارب یک عقد است یعنی یک قرارداد دو طرفه که براساس آن صاحب سرمایه یا «مالک» با فرد دیگری که به اصطلاح «عامل» نامیده می شود قرارداد می بندد. براساس این قرارداد دو طرف قبول می کنند که عامل با سرمایه مورد نظر تجارت کند و سود حاصل بینشان تقسیم شود. این تعریف ساده مضارب است اما انجام یک مضارب صحیح شرعی، شروط و ضوابطی دارد:

۱. در مضارب، سرمایه باید پول باشد نه کالا و مانند آن. یعنی سرمایه گذار باید پولی را در اختیار عاملی بگذارد تا با آن به تجارت بپردازد نه چیز دیگر را. مثلاً نمی توانست یک انبار برنج را به عاملی بدهد و بگوید اینها را بفروش و از سود به دست آمده یک سوم را بردار یا این که تاکسی خودش را به راننده ای بدهد و

تأیید کرده. مثلاً خداوند در دین اسلام خون را نجس و آب را پاک اعلام کرده، به همین سادگی! ممکن بود خداوند آب را نجس و خون را پاک اعلام کند. البته ما معتقدیم در وراء همه احکام و دستورات شرعی، حکمتها و حقایقی وجود دارد، اما آن چه برای ما معیار است همان اعتبار و قانون گذاری شارع است. بر همین اساس تفاوت بین امور حلال و حرام گاهی در چند شرط ساده و حتی در چند کلمه کوتاه است پس هیچ اشکالی ندارد که یک حرام با چند کلمه ساده حلال شود. مگر انواع و اقسام محرمات در روابط زن و مرد و گناه کبیره زنا با چند کلمه «انکحت زوجت» تبدیل به مطلوب یک رابطه انسانی نمی شود؛ بلکه بالاتر مگر بزرگترین گناه عالم یعنی شرک و کفر به خداوند با چند کلمه شهادتین منجر به احترام جان و مال و ناموس انسان نمی شود و او را از جهنم ظلالیت به بهشت هدایت نمی کنند؟ پس چه اشکالی دارد گناه کبیره را با چند کلمه و رعایت چند شرط تبدیل به کار حلال اقتصادی بلکه کسب روزی حلال که افضل عبادات است بشود؟

این شماره سراغ احکام یکی از مسائل اقتصادی رفته ایم شاید شما هم تجربه کرده اید که در جریان بعضی از بحث های کوچک بازاری مردم، ناگهان یک نفر می گوید: ای بابا این جمهوری اسلامی هم فقط اسم همه چیز عوض کرده! همین بانکها کجای کارشان اسلامی است؟ همه چیزشون ظاهر سازیه، همون نزول خوری حرام رو با چند تا تبصره و ماده و تغییر نام حلال می کنند و به اسم مضارب، ملترو نزول خور می کنند...!

درست حدس زدید، موضوع این شماره مضارب است!

## چند کلمه ناقابل!

اصولاً از دیدگاه علما تعبیری نظیر واجب، حرام، پاک، نجس و... امور قراردادی هستند یعنی همه آنچه ما به عنوان الزامات شرعی و احکام لازم در فقه می شناسیم اموری هستند که شارع مقدس یعنی خداوند متعال وضع کرده یا اگر از قبل در زندگی انسانها جریان داشته آنها را با تغییر و تبدیلی



سرمایه‌گذار به پول خودش نیاز پیدا می‌کند ولی به‌خاطر همین شرط عدم فسخ یا به‌خاطر این که حوصله کارهای اداری و دردسر پس گرفتن پول را ندارد به دیگری می‌گوید من چند میلیون پول برای مضاربه به فلانی دادم تو همین مقدار را به من بده. آن پول من و مابقی سودش مال تو. این کار هم اشتباه است و برخلاف تصور مالک، طرف قرارداد هنوز خود اوست و تغییر و تبدیل، تنها با هماهنگی عامل و با فسخ قرارداد قبلی و نوشتن قراردادی جدید صورت می‌گیرد.

### تکلیف ضرر با کیست؟

معمولاً تا اوضاع بر وفق مراد است و مشکلی وجود ندارد همه چیز با سلام صلوات و احترامات و تعارفات غلیظ پیش می‌رود اما امان از وقتی که کار گره می‌خورد و اوضاع جواری می‌شود که نباید می‌شد! اینجاست که آن روی سکه تجارت، خودش را نشان می‌دهد، پول ماهانه واریز نمی‌شود و عامل می‌گوید ضرر کردم و کار به فحش و دعوا و کتک‌کاری که سهل است به شکایت و تجمع و تحصن و مانند آن هم کشیده می‌شود. حال نتیجه این شکایت‌ها و اختلافات چه می‌شود بماند، اما سؤال اینجاست: واقعاً وقتی عامل ادعا می‌کند ضرر کردم و یا سودی به‌دست نیاوردم ضرر را به پای چه کسی باید نوشت و تکلیف چیست؟

اصولاً در مضاربه اگر عامل در کار خودش کوتاهی نکرده باشد و به شکل درست به تجارت پرداخته باشد، مقصر نیست و ضرری هم نمی‌پردازد. حتی اگر ضرر و زیان اصل سرمایه را هم دربرگرفته باشد تنها مالک است که متحمل ضرر می‌شود و عامل به‌خاطر کسری سود یا ضرر، چیزی از جیب نمی‌پردازد مگر آن که در ضمن عقد لازم دیگری شرط کرده باشند که مالک ضرر را بر عهده نگیرد و هر نوع ضرر و زیانی به‌حساب عامل باشد به‌عبارت دیگر عامل تعهد می‌کند در هر شکل اصل سرمایه را به سرمایه‌گذار برگرداند که در این صورت لازم است به تعهد خود عمل کند.

می‌ماند توضیح مصالحه و تکلیف همکاری با بانک‌ها و مؤسسات مالی که ان‌شاءالله در شماره بعد به آن خواهیم پرداخت فعلاً بدرود! ●

به‌دست آمد تا مالک اصلی، سرمایه را به‌همراه درصد سودش بردارد و عامل هم درصد سود خودش را، اما در طول مدت قرارداد، سرمایه‌گذار حق درخواست هیچ پولی را از عامل ندارد مگر آن که در هنگام قرارداد، این را با هم شرط کنند. مثلاً عامل ماهیانه مبلغی از سود را به‌صورت علی‌الحساب به سرمایه‌گذار بدهد تا در آخر قرارداد پس از حساب و کتاب دقیق کم و زیاد سهم خودشان را با هم صاف کنند؛ حال یا با پرداخت پول به همدیگر یا با مصالحه و بخشیدن حق خودشان به یکدیگر.

نکته دقیق اختلاف مضاربه با ربای حرام همین جاست یعنی اگر کسی پولی را به دیگری بدهد و بگوید این پول پیش تو ولی ماهی ۵۰ هزار تومان به من بده این همان ربای حرام یا نزول معروف است اما اگر بر طبق شرایط مضاربه قرارداد بسته شود و شرط شود عامل ماهیانه مبلغی را علی‌الحساب از سود حاصله بپردازد تا در آخر با هم حساب یا مصالحه کنند این مضاربه حلال است البته ناگفته نماند این شرط مصالحه نیاز به توضیحی دارد که در آینده کاملاً شرح خواهیم داد.

### هر کی سی خودش!

یکی از مسائل مهم در مضاربه چگونگی فسخ قرارداد است. فرض کنید عامل پس از چند ماه به‌دلایلی توان ادامه کار را از دست بدهد یا ببیند با وضعیت موجود بازار نمی‌تواند سود مناسبی به‌دست آورد و یا برعکس سرمایه‌گذار که می‌خواسته پول راکدش را به کار بیندازد و از آن استفاده‌ای ببرد، ناگهان به پولش احتیاج پیدا کرد یا به هر دلیل دیگر مایل به ادامه قرارداد نبود. در هر دو صورت فسخ قرارداد از طرف عامل یا مالک اشکالی ندارد و با درخواست هر کدام معامله به پایان می‌رسد و باید حساب و کتاب سود و زیان را بکنند و هر کس پی کار خودش برود.

البته مانند بسیاری از مسائل دیگر در عقود و معاملات اگر در هنگام عقد قرارداد با هم شرط کنند که تا پایان مدت قرارداد هیچ کدام یا یکی از دو طرف حق فسخ قرارداد را نداشته باشد این شرط، لازم الاجرا است و باید به آن عمل شود.

بد نیست همین‌جا به یکی از اشتباهاتی که در قراردادهای مضاربه رخ می‌دهد اشاره کنیم. گاهی

بخواهد با قرارداد مضاربه تعیین سود کند.

البته بیش‌تر این کارها با عقدهای دیگری غیر از مضاربه قابل انجام و درست است اما دیگر اسمش مضاربه نیست.

۲. در مضاربه، تنها باید تجارت یعنی خرید و فروش صورت گیرد در نتیجه عامل محترم نمی‌تواند پول سرمایه‌گذار را در هر راهی که پا داد و سود خوبی داشت به کار بیندازد و مثلاً شرکت و تولیدی و مانند آن بر پا کند البته در این مسأله تفاوت‌هایی در برخی موارد بین مراجع وجود دارد ولی آنچه مسلم است و همه قبول دارند؛ تجارت و خرید و فروش است.

۳. نکته سوم که البته در اکثر قراردادهای اقتصادی اسلامی مورد نظر است حساب و کتاب و تعیین درست جزئیات معامله است یعنی اولاً باید دو طرف قرارداد کاملاً مشخص باشند که پول از کیست و عامل کیست ثانیاً میزان سرمایه باید معلوم باشد و همین‌طور فله‌ای نمی‌شود قرارداد مضاربه بست مثلاً پدری به پسرش بگوید برو از حساب من چند میلیون بگیر و با آن کار کن هر چی به‌دست آمد نصف نصف، به‌علاوه مدت زمان عقد قرارداد هم باید دقیق و معین باشد و بر این مبنا که تا هر وقت بازار رونق داشت و یا تورم بالا نرفت و یا تا وقتی که توان کار کردن داشتی و... نمی‌شود دو نفر با هم قرارداد ببندند. زمان قرارداد هم باید معلوم باشد مثلاً یک سال دو سال یا یک ماه، ثالثاً لازم است از همان اول میزان سهم هر یک از دو طرف از سود به‌دست آمده مشخص باشد یعنی باید معین شود که عامل و مالک هر کدام دقیقاً چه مقدار از سود را مالک خواهند شد آن هم به شکل «کسر مشاع»!

### کسر مشاع دیگر چه صیغه‌ای است؟

در قرارداد باید سهم هر یک به شکل یک‌دوم، یک‌سوم یا به اصطلاح بازار ۱ به ۳ یا ۲ به ۳ و مانند آن و یا دقیق‌تر به شکل درصد تعیین شود و معین شود مثلاً ۲۵ درصد سود مال عامل و مابقی مال صاحب سرمایه باشد ولی این که مثلاً گفته شود هر چه سود به‌دست آمد یک میلیون مال عامل و ما بقی مال صاحب سرمایه، اشتباه است، اشتباه!

در پایان مدت قرارداد هم باید طرفین با هم حساب و کتاب کنند که در مدت این یک‌سال چه مقدار سود